ادامه از صفحه اول

## غایبان کلاس تاریخ

استراتژی روشن اصلاح‌طلبان آنان را در تیررس منتقدان و مخالفان خود قرار می‌داد. روی‌کارآمدن دولت احمدی‌نژاد، خاصه چهار سال اول پیروزی اصولگرایان، از بذر نفرتی بود که در جامعه پراکنده بودند. بی‌دلیل نیست که دولت نهم و دهم خسارت‌های فراوانی به‌بار آورد و آن که با داعیه مهرورزی بر مسند قدرت نشسته بود، اینک حتی با ولی‌نعمتان خود نیز نامهربان شد. اما تاریخ، تنها درسی است که اصولگرایان به آن اعتقادی ندارند. حالا نوبت حمله به استراتژی دولت روحانی است. همه رسانه‌های اصولگرا و برخی چهره‌های مستقل و منفرد هم در حمله به استراتژی دیپلماسی یک‌صدا هستند. نزد آنان درستی یا نادرستی استراتژی‌ها مهم نیست، شکست رقیب در دستور کار است و برای شکست رقیب، ظریف‌ترین کار حمله به نقشه‌های رقیب است و مهم‌تر از آن، قطع علاقه و اتحاد بین مردم و دولت‌هاست. در سخنان مدیرمسئول «کیهان»، چند پرسش جدی وجود دارد. متخصصان ورزیده‌ای که ایشان نام برده‌اند، چرا در دولت احمدی‌نژاد به‌کار گرفته نشدند و دیگر آنکه چه‌کسی می‌تواند حقی را که مردم به دولت روحانی داده‌اند - پیگیری دیپلماتیک مسائل هسته‌ای- بازپس گیرد! آیا اصولگرایان واجد چنین نمایندگی هستند، آن‌هم نه اصولگرایان معتدل بلکه آنان که هرگز به خواست و اراده مردم اعتنا نکرده‌اند. حتی امروز که برخی اصولگرایان در پی نواصولگرایی هستند، باز مردم در سخنان آنان حاضرِ همیشه غایب‌اند. منظور از مردم، همان مردمی نیست که اصولگرایان به‌کرات از آن استفاده و سوءاستفاده می‌کنند، بلکه مردم به‌معنای واقعی آن مدنظر است؛ مردم به معنی اراده‌شان در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. حتی در نواصولگرایی محمدباقر قالیباف نیز تکرار همان ایده‌های تکراری دیده می‌شود: «در برابر این نگرانی‌های دلسوزانه دو پرسش بیش از هرچیز ذهن من را به خود مشغول کرده است. پرسش اول اینکه ناکارآمدی دولت زمینه را برای تغییر در وضع موجود در افکار عمومی کاملا مهیا کرده بود. چه عواملی باعث شد که ما این فرصت بزرگ را هم مانند گذشته از دست بدهیم و در عمل اجازه بدهیم با تثبیت مدیریت خسته، بسته و زاویه‌دار با گفتمان انقلاب اسلامی و منافع ملی، زندگی جاری مردم و آرمان‌های انقلاب اسلامی چهار سال دیگر در بیم و نگرانی سپری شود». اینجا باز هم سخن از مردم نیست، سخن از چرایی شکست است. سخن از این است که اگر رئیسی نمی‌آمد ما پیروز می‌شدیم و در نهایت استراتژی همان استراتژی تهاجم و تخریب است. اگر دولت روحانی مخالف منافع ملی و آرمان‌های انقلاب است، پس چرا ۲۴میلیون رأی آورده است. آیا این دست‌کم‌گرفتنِ رأی مردم نیست که رأی‌ندادن آنها به اصولگرایان به‌دلیل اشتباه حزبی اصولگرایان صورت گرفته است و نه انتخاب آنان. اصولگرایان و نواصولگرایان لازم نیست به خود زحمت زیادی بدهند تا مردم باورشان کنند. آنان فقط باید به یک پرسش ساده و تاریخی پاسخ بدهند، ۵۷۸ میلیارد دلار پول نفت دوران احمدی‌نژاد، دولت متبوع و محبوب آنان، به کجا رفته است؟

## نقش زنان در مدیریت اصلاح‌طلبانه

تداوم دودهه‌ای در افزایش تحصیلات دانشگاهی زنان، فرصت حضور در فعالیت‌های اجتماعی و مدنی را در جهت همبستگی و تلاش برای احقاق حقوق‌شان به آنان داد و از سوی دیگر سهم زنان در مدیریت‌های پایین و میانی جامعه را به میزان شایان توجهی افزایش داد. در نتیجه هنگامی که دولت روحانی در سال ۹۲ آغاز به کار کرد، از جهات مختلف هم‌زمان با افزایش تقاضا، فضا برای حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی فراهم‌تر شده بود و رئیس‌جمهور هم با نگاهی مثبت و همدلانه با این موضوع همراه شد. بنابراین از این منظر دولت روحانی تبدیل به نقطه‌عطفی شد که در آن زنان گام‌های مهمی را برای حضوری محسوس و پررنگ در مدیریت کلان برداشتند. در گام نخست رئیس‌جمهور با انتصاب سه نفر از بانوان تحصیل‌کرده و باسابقه در جایگاه معاونت ریاست‌جمهوری، فضا را برای این راهبرد مهم هموار کرد. با انتخاب یک سخنگوی زن از سوی وزیر امور خارجه که بعدها به‌عنوان نخستین سفیر زن هم معرفی شد و نیز انتخاب فرمانداران، بخشداران و معاونان استاندار زن، گام‌های بلندی در این مسیر برداشته شد. وزیر نفت با انتخاب یک زن به‌عنوان معاون خود و مدیرعامل شرکت ملی پتروشیمی و وزیر راه‌وشهرسازی در یک اقدام بسیار مترقی ریاست شرکت هواپیمایی ملی ایران «هما» را که تا پیش از این به نظر می‌رسید پست و مسئولیتی مردانه باشد به یکی از زنان تحصیل‌کرده و مدیر این حوزه سپرد، باعث شدند تا این تصور که زنان حداکثر باید در حوزه‌هایی مانند آموزش و بهداشت فعالیت کنند، شکسته شود.

ادامه در صفحه ۱۹

### نقدینگی ۱۲۶۴هزار میلیارد تومان شد

# سیل پول

**شرق، مهتاب قلی‌زاده:** «قطع ارتباط بین نقدینگی، با شاخص‌های کلان اقتصادی»؛ این هم یکی از تناقض‌های اقتصاد ایران است. هم‌زمان که حجم مجموع پول و شبه‌پول به بیش از هزارو ۲۶۴ هزار میلیارد تومان می‌رسد، تورم درجا می‌زند. دولت در تلاش برای دمیدن جانی در حیات بنگاه‌ها، مشاغل، صنایع و اقتصاد، پول خلق می‌کند و نتیجه‌اش «هیچ» است. چرا؟ «شرق» این پرسش را با دو کارشناس اقتصادی مطرح کرده است. ماجرا از این قرار است که مجموع اسکناس‌ها و مسکوکات و سپرده‌های دیداری کشور رشد می‌کنند؛ اما همچنان بنگاه‌های تولیدی با کمبود نقدینگی مواجه هستند. این نقدینگی حتی نتوانسته به تورم هم تکانی دهد. نقدینگی که خود یکی از عوامل اصلی رشد تورم است. براساس اطلاعات بانک مرکزی ایران تورم ۱۲ماهه منتهی به تیر سال جاری نسبت به ۱۲ماهه منتهی به تیر سال ۱۳۹۵ معادل ۱۰.۳ درصد شده است و تورم نقطه‌ای تیر هم ۹.۹ درصد بوده است. این تناقض در اقتصاد ایران از کجا آب می‌خورد؟

کارشناسان می‌گویند در دوره‌های مختلف و بر اثر عوامل متفاوت، ارتباط رشد نقدینگی با تورم در اقتصاد ایران تضعیف شده است؛ هرچند روند رخ‌داده در سال‌های گذشته، ریشه‌هایی به کلی متفاوت داشته است. برخی تغییر شاخص‌های پولی مانند رشد ضریب فزاینده و شبه‌پول در سه سال گذشته را دلیلی برای تشدید این تناقض می‌دانند؛ این عده معتقدند: افزایش «ضریب فزاینده» خلاف معمول تحت تأثیر نشانه‌های رونق و افزایش تقاضا برای اعتبار نبوده و مشکلات ترازنامه بانک‌ها به آن دامن زده است.

واقعیت این است که ابتدای دهه ۱۳۹۰ اقتصاد ایران تحت تأثیر شوک منفی طرف عرضه، وارد رکود تورمی شد؛ در ادامه، با انقباض تقاضا تحت تأثیر تنگنای مالی و افزایش نرخ‌های واقعی سود، تورم روندی کاهنده در پیش گرفت؛ هرچند وضعیت کنونی محلی از شک است؛ یعنی می‌توان به آسانی منتظر انفجار تورمی ماند. در میان‌مدت اگر فشار نقدینگی با عواملی مانند افزایش رشد اقتصادی یا کاهش نرخ واقعی ارز با افزایش درآمدهای ارزی جبران نشود، همبستگی بین نرخ رشد کل‌های پولی و تورم دوباره برقرار خواهد شد. بی‌اثربودن رشد نقدینگی در یک اقتصاد سالم و حتی نیمه‌بیمار، طبیعی نیست؛ اما شاید برای اقتصاد در رکود ایران طبیعی جلوه کند. برخی احتمال می‌دهند این نقدینگی در حساب‌ها و سپرده‌های بانکی افراد نشسته باشد؛ ترکیب نقدینگی هم نشان می‌دهد بخش شبه‌پول بیش از بخش پولی رشد کرده است. عباس شاکری، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، در کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران» به شکل مفصل به این بحث پرداخته است. پارادوکس نقدینگی به این معناست که «در اقتصاد ایران در دوره‌هایی که به دلایل مشخصی، بی‌سابقه‌ترین رشدها در نقدینگی

رخ می‌دهد، حادترین بحران‌ها به مردم و تولیدکننده‌ها معطوف می‌شود؛ یعنی آنها با بحران کمبود نقدینگی روبه‌رو هستند؛ درحالی‌که اقتصاد با رشد بی‌سابقه نقدینگی روبه‌رو است».

**اثر شبه‌پول بر نقدینگی**

«نقدینگی از دو بخش تشکیل شده و آن عبارت است از پول و شبه‌پول. معمولا زمانی که پول و شبه‌پول در ضریبی به نام ضریب فزاینده ضرب می‌شود، به آن نقدینگی می‌گویند؛ آنچه در چهار سال گذشته در اقتصاد ایران اتفاق افتاده است، افزایش شبه‌پول است و شبه‌پول برای اینکه تبدیل به پول نقد شود، نیاز به زمان دارد». هادی حق‌شناس، اقتصاددان و نماینده سابق مجلس، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید و ادامه می‌دهد: به عبارت ساده‌تر همواره با تأخیر تبدیل به پول می‌شود. با این مقدمه در واقع ما می‌خواهیم به یک نکته مهم اشاره کنیم و آن این است که سهم شبه‌پول در نقدینگی بیش از پول افزایش پیدا کرده است و این در تورم تأثیر مثبت ندارد. از سوی دیگر شبه‌پول ریشه در مطالبات بانک مرکزی و بانک‌ها دارد؛ یعنی مجموع بدهی دولت به بانک مرکزی و همچنین شرکت‌های دولتی و دولت به بانک‌ها تشکیل‌دهنده پایه پولی هستند و این پایه پولی در سنوات گذشته افزایش پیدا کرده است. این هم یک عامل افزایش نقدینگی است. گرچه بدهی دولت و شرکت‌های دولتی همواره سیر صعودی دارد؛ ولی این نوع بدهی‌ها در نقدینگی کل کشور همان شبه‌پول است. به گفته او به‌عنوان یک مثال بسیار ساده اگر دولت تصمیم بگیرد، همه بدهی خود را به بانک‌ها یا بانک مرکزی یا شرکت‌های دولتی به بانک‌ها پرداخت کنند، یکباره سهم پول در نقدینگی افزایش پیدا می‌کند و این عاملی خواهد بود برای افزایش نرخ تورم؛ بنابراین اگر بخواهیم یک نتیجه کلی از نبود تأثیرگذاری رشد نقدینگی بر نرخ تورم بگوییم، آن این است که شبه پول با تأخیر می‌تواند تبدیل به پول شود. البته در اینجا ذکر یک نکته مهم است. حق‌شناس ادامه می‌دهد: با توجه به نرخ بالای سود بانکی این هم عامل مهمی است که بخشی از پول هم از بانک‌ها خارج نشود؛ پس هم نرخ سود بانکی بالا و هم سهم درخورتوجه شبه‌پول در نقدینگی توأمان منجر به این شده است که نرخ تورم متناسب با رشد نقدینگی افزایش پیدا نکند. همچنین در بخش واقعی اقتصاد هم در سال گذشته رشد اقتصادی درخورتوجه داشته‌ایم و همچنان انتظارات تورمی در اقتصاد ایران بالا نیست؛ یعنی اینکه مردم انتظار دارند که دولت سیاست کاهش تورم را در دستور کار داشته باشد.

**شاخص عمق مالی و پارادوکس نقدینگی**

«شاخصی در اقتصاد وجود دارد به نام «شاخص توسعه مالی»؛ که «شاخص عمق مالی» هم نامیده شده است. معمولا تا صددرصد (یعنی هرچه بیشتر)، نسبت نقدینگی به تولید بالا می‌رود، وضعیت اصولا بهتر می‌شود؛ یعنی به عبارتی در هر اقتصادی اصولش این است که هر چقدر نظام توسعه مالی کشوری پیشرفته‌تر باشد، شاخص عمق مالی؛ یعنی نسبت نقدینگی به تولید هم بالاتر می‌رود؛ یعنی به صددرصد نزدیک می‌شود». اینها را هم وحید شقاقی‌شهری، اقتصاددان، به «شرق» می‌گوید. به بیان او، اولا درحال‌حاضر نسبت نقدینگی به تولید ایران حدود ۹۸ درصد شده است. خب ارقام نشان می‌دهد که حجم نقدینگی کشور به هزارو ۲۶۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. تولید ما حدود هزارو ۲۷۲ هزار میلیارد تومان است؛ یعنی در عمل اکنون ۹۸ درصد حجم تولید کشور، نقدینگی شده است؛ هرچند ایراد آن این است که بیش از ۴۰ تا ۵۰ درصد نقدینگی فعلی از گردونه اقتصاد خارج شده است؛ این عدد هم در حالت خوش‌بینانه است. شقاقی توضیح می‌دهد: به عبارتی بیش از ۵۰ درصد حجم نقدینگی کشور از راه سیستم بانکی و وضعیت رکود اقتصادی، بلوکه شده است. از سوی دیگر می‌دانیم که نرخ ارز هم در سال‌های گذشته جهش زیادی داشت. نرخ ارز از هزارو ۲۶۱ تومان سال ۱۳۹۱ اکنون به سه‌هزارو ۸۰۰ تومان رسیده است. به عبارت بهتر قدرت خرید دلاری هم در اقتصاد ایران کاهش پیدا کرده است.

او می‌گوید: زمانی ما می‌توانستیم با هزارو ۲۰۰ تومان، یک دلار تهیه کنیم، برای واردات کالا. درحال‌حاضر با سه‌هزارو ۸۰۰ تومان می‌توان یک دلار برای واردات کالا تهیه کرد. می‌خواهم بگویم دو عامل باعث شده که این حجم عظیم نقدینگی خودش را نشان ندهد؛ اولا بلوکه‌شدن منابع سپرده‌های مردم در سیستم بانکی، به دلیل شرایط رکود اقتصادی؛ از سوی دیگر به دلیل افزایش نرخ ارز در چند سال گذشته، قدرت خرید دلاری کاهش پیدا کرده است. می‌خواهم بگویم که این هزارو ۲۶۴ هزار میلیارد تومان معادل ۴۰۰ هزار میلیارد تومان سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ است.

### رؤسای بانک‌ها در کاهش شعب مازاد موفق نشدند

# بانک‌بازی مدیران

**شرق:** ۲۵۰ هزار پرسنل و ۲۲ هزار شعبه بانکی در ایران وجود دارد که به گفته سیدمحمود احمدی، دبیرکل بانک مرکزی، با افتخار تمام، گسترده‌ترین خدمات اقتصادی را به مردم می‌دهند. تعداد شعبی که هرچند مایه افتخار برخی مسئولان قلمداد می‌شود؛ اما در قیاس با سیستم بانکداری جهانی، خارج از استانداردهای جهانی است. هرچه زمان از ابلاغ قانون «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» بیشتر می‌گذرد، زمان بیش‌ازپیش اثبات می‌کند که سیستم بانکی ما هنوز هم قادر نیست به کاهش شعب خود و اجرای قانون عمل کند. شعبی که در بحبوحه بازار گرم مستغلات، دامن‌گیر بانک‌ها شد و اغلب آنها برای افزایش دارایی و حفظ ارزش واقعی آن، شعبه‌هایی را در بهترین نقاط شهری تأسیس کردند. همان شعبی که با فرود مسکن و مستغلات در باتلاق رکود، روی دست بانک‌ها ماند و به نقدینگی قفل‌شده در دامان بانک‌ها بدل شد. این در حالی است که در همین وانفسا، بانک‌ها در کشورهای پیشرفته رو به سوی بانکداری الکترونیکی آورده‌اند و همین امر موجب شده از افزایش شعب دست بردارند که همین مسئله هم از افزایش هزینه آنها کاسته است؛ اما در ایران، بانک‌ها این نقدینگی بلوکه‌شده را هنوز نتوانسته‌اند از چنگال رکود خارج کنند و در چرخه تسهیلات‌دهی و رونق تولید به گردش درآورند.

**شعب، زنجیرپای بانک‌ها**

محمدمهدی رئیس‌زاده، عضو شورای پول و اعتبار در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره می‌گوید: اکنون نظام بانکی دیگر به دنبال تأسیس شعب نیست. پس از تصویب و ابلاغ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به شبکه بانکی، بانک‌ها باید دست از بنگاه‌داری و به‌این‌ترتیب از عملیات غیرمولد و ایجاد دارایی‌های موهوم بردارند. بااین‌حال او به ناموفق‌بودن اجرای این قانون اشاره می‌کند و می‌افزاید: در جلساتی که در مجلس داشتیم، متوجه شدیم هنوز زمینه این اتفاق در شبکه بانکی فراهم نشده و بانک‌ها نتوانستند این قانون را عملی کنند. رئیس‌زاده با اشاره به فلسفه وجودی تأسیس شعب در سال‌های قبل از تصویب این قانون، می‌گوید: قبل از دوران رکودی که برای بخش ساخت‌وساز و مسکن ایجاد شد، بهترین سرمایه‌گذاری‌ها طبق آمارها و شاخص‌های اقتصادی، ملک و مستغلات بود؛ بنابراین بانک‌ها تلاش می‌کردند شعبی که تأسیس می‌کنند، ازجمله دارایی‌های بانک باشد تا از نظر سهم و نشان‌دادن در ترازنامه به حفظ دارایی‌های بانک کمک کند؛ چراکه با ثبت با ارزش اسمی این مستغلات، حتی در صورت درنظرگرفتن ذخیره استهلاک، در تجدید ارزیابی دارایی‌ها، عملا این نوع دارایی‌ها با توجه به شرایط روز و نرخ‌های تورم‌های دورقمی، دارای ارزش افزوده واقعی بودند. به گفته او، این امر سبب شد تا امروز طبق آمار، متجاوز از ۲۳ هزار شعبه در مجموعه سیستم بانکی در سراسر کشور وجود داشته باشد که با توجه به جمعیت کشور، فوق‌العاده بالاتر از استانداردهایی است که در مقیاس‌های امروزی کشورهای پیشرفته وجود دارد. رئیس‌زاده می‌افزاید: به طور قطع، اکنون به دلیل وجود مطالبات معوق بانک‌ها و رکود بخش مسکن، بانک‌ها در اجرای این ماده قانونی موفق نبوده‌اند. برخی از بانک‌هایی که وارد فاز اجرائی شدند و آگهی مزایده شعب گذاشتند و برخی شعب مازاد خود را کارشناسی رسمی کردند، هم نتوانستند برای شعب مازاد خود، خریداری پیدا کنند.

**شعب از مدار نقدینگی خارج شده است**

او در ادامه البته تأکید می‌کند که اکنون بازار، بازار خریدار است و هرچه خریدار بگوید، قیمت نهایی خواهد بود؛ اما می‌گوید: وقتی کمبود نقدینگی داریم، طبیعتا بازار، بازار خریدار است و نه فروشنده و این خریدار است که تعیین می‌کند ملک را به چه قیمت و با چه شرایطی بخرد؛ اما طبق آیین‌نامه‌های بانکی پس از تعیین قیمت کارشناسی ملک در اختیار بانک‌ها، آنها مجاز نیستند آن ملک را از ۷۰ درصد قیمت کارشناسی آن، پایین‌تر بفروشند، در نتیجه شعب روی دستشان مانده و از مدار نقدینگی خارج شده است. این کارشناس با تأکید بر اینکه اکنون سیاست بانک‌ها کاهش شعب است، ادامه می‌دهد: برخی سیاست‌ها مانند ادغام برخی مؤسسات مالی و اعتباری و بانک‌ها هم این دیدگاه را پشتیبانی می‌کنند.

**گره بانک‌ها بر قیمت مسکن و مستغلات**

رئیس‌زاده به پیوسته‌بودن بازار پولی و مستغلات اشاره می‌کند و می‌افزاید: یکی از دلایل گرانی ملک و مستغلات در سال‌های پیش از رکود مسکن، تعدد شعب بانک‌ها بود که در بهترین نقاط کلان‌شهرها تأسیس می‌شد. اگر به مرور این شعب کاهش یافته و به میزان مجاز برسند و در کنار آن، ادغام‌های بانکی انجام گیرد، حتما روی قیمت ملک هم تأثیرگذار خواهد بود و آنها را به جایگاه واقعی بازمی‌گرداند. او به افزایش اجاره‌بهای املاک تجاری هم اشاره کرده و ادامه می‌دهد: بانک‌های جدیدالتأسیس خصوصی هم که روی کار آمدند، بنیه مالی بانک‌های قدیمی برای خریداری شعب در مناطق گران‌قیمت را نداشتند؛ اما مجبور بودند در مناطق گران‌قیمت شعبه بزنند تا بتوانند رقابت کنند که در نتیجه آن درآمد آنها جواب‌گوی هزینه آنها نبود و به مشکل برخوردند.

ادامه در صفحه ۱۹

# شعبه مداری در ایران

غلامحسین دوانی
حسابدار رسمی

براساس اظهارات دبیر کل بانک مرکزی که به‌تازگی در همایشی در بانک تجارت مطرح شد، شبکه بانکی کشور ۲۲ هزار شعبه با ۲۵۰ هزار نفر پرسنل دارد. از طرف دیگر کشور کانادا با ۱،۵۳۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی دارای ۳۱ بانک مشتمل بر هفت‌هزارو ۵۵۸ شعبه با ۴۲۳هزارو ۱۱۶ نفر پرسنل است که حجم دارایی‌های این بانک‌ها معادل ۴،۷۱۱ میلیارد دلار یا به تعبیری ۹،۸ برابر دارایی‌های بانکی ایرانی (۵۲۵ میلیون دلار) است که گفته می‌شود این دارایی‌ها حداقل ۳۰ درصد بالای قیمت بوده و در صورت رعایت مقررات بانک مرکزی و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری حجم دارایی بانک‌های ایرانی به زیر ۵۰۰ میلیون دلار سقوط خواهد کرد. همچنین دارایی‌های ۱۰ بانک اول مالزی معادل ۲،۴۹۳ میلیارد دلار است.

با توجه به اینکه تولید ناخالص داخلی کانادا تقریبا ۳،۸ برابر ایران است، تعداد بانک‌های ایرانی معادل بانک‌های کانادا و تعداد شعب بانک‌های ایرانی ۳،۳ برابر شعب بانک‌های کاناداست. حتی با فرض ۲،۲ برابربودن جمعیت ایران نسبت به کانادا چون بانک تابع خدمات مالی و پولی است و حجم خدمات پولی- بانکی کانادا عظیم و غیرقابل مقایسه با ایران است، تعداد شعب بانکی کشور توجیه‌پذیر نیست؟! آمار فوق حکایت دارد که به‌ازای هر سه‌هزارو ۲۰۰ نفر ایرانی یک شعبه بانک وجود دارد که این عدد معادل همین نسبت با کشورهای پیشرفته‌ای با تولید ناخالص داخلی حداقل شش تا هشت برابر ایران و گردش عملیات خدمات مالی حداقل ۱۵ تا ۲۰ برابر ایران است!! این موضوع می‌تواند یکی از علل کاهش سود شبکه بانکی به‌دلیل افزایش هزینه‌های پرسنلی- اداری باشد، زیرا در جهان پیشرفته عملیات بانکی از طریق آنلاین بانکی، پوز و کیوسک بانک انجام می‌شود که بانک‌ها ناچار نباشند میلیاردها تومان منابع خود را صرف خرید ساختمان و سرقفلی کنند! اضافه کنیم شبکه بانکی ایران فارغ از مؤسسات مالی- اعتباری غیرمجازی است که گفته می‌شود حداقل ۲۰ درصد نقدینگی ۱۲۰۰ هزار میلیارد تومانی کشور را در اختیار داشته و دارای صدها شعب پراکنده در سراسر ایران هستند!

**مقایسه بانک‌های ایران و کانادا**

| نام کشور | تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار) | تعداد بانک | تعداد شعب | تعداد پرسنل | حجم دارایی بانک‌ها (میلیارد دلار) | جمعیت (میلیون نفر) | تعداد شعب بانکی (به‌ازای هر یک میلیون نفر) |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ایران | ۴۰۲ | ۳۱ | ۲۲،۰۰۰ | ۲۵۰،۰۰۰ | ۵۲۵ | ۷۸۰ | ۲۷۵ |
| کانادا | ۱۵۳۵ | ۳۰ | ۷،۵۵۸ | ۴۲۳،۱۶۶ | ۴۷۱۱ | ۳۵ | ۲۱۶ |

خبر

## لاهوتی: واسطه‌های خارجی از تجارت ایران حذف شدند

● رئیس کنفدراسیون صادرات ایران گفت: کره‌جنوبی در بحث صادرات و واردات کالاهای ایرانی به ترتیب در رده‌های چهارم و سوم قرار دارد که این امر نشان می‌دهد معاملات ایران با دنیا به صورت مستقیم و با کاهش حضور واسطه‌هایی مثل امارات، هند و ترکیه درحال انجام است.

به گزارش کنفدراسیون صادرات ایران، «محمد لاهوتی» با اشاره به انتشار آمار تجارت خارجی کشور که روز گذشته ازسوی گمرک ایران انجام شد، گفت: آمار تجارت خارجی کشور بعد از کش‌وقوس‌های فراوان و عدم ارائه آن، از سوی گمرک ایران به‌عنوان مرجع رسمی اعلام شد که بر این اساس، آمارهای چهارماهه مجموع تجارت خارجی کشور ۲۹ میلیارد و ۲۷۹ میلیون دلار است که سهم واردات از آن معادل ۱۵،۸ میلیارد دلار بوده که رشد مثبت ۲۴ درصدی را نشان می‌دهد.

او میزان صادرات را ۱۳ میلیارد و ۴۵۹ میلیون دلار اعلام کرد که با رشد منفی ۹،۵ درصد همراه بوده است و افزود: در بخش واردات، قیمت هر تن کالای وارداتی کشور یک هزار و ۳۹۹ دلار و ارزش کالاهای وارداتی نسبت به سال قبل، ۹ درصد رشد داشته است که سهم عمده‌ای از آن را برنج، ذرت دامی، خودرو و قطعات منفصله و کالاهای سرمایه‌ای و اساسی تشکیل می‌دهند؛ ولی در بخش صادرات، با توجه به رشد منفی، متأسفانه شاهد این هستیم که بیشترین رشد صادرات، مربوط به ۳،۷ درصد پتروشیمی و ۴،۲ درصد میعانات گازی است.

به گفته او با توجه به رفع تحریم‌ها در بحث صادرات نیز افت شدید صادرات به کشورهای امارات متحده عربی و هند را شاهد هستیم که بیشتر این موضوع، نشان می‌دهد معاملات ایران با کشورهای طرف تجاری خود، بدون واسطه انجام می‌شود؛ این در حالی است که بازارهای صادراتی عمده ایران را در این دوره آماری، چین، عراق، امارات متحده عربی، کره‌جنوبی و هند تشکیل داده و در بخش واردات نیز کشورهای چین، امارات، کره‌جنوبی، ترکیه و هند هستند.

## سفر آخوندی به آلمان برای جذب سرمایه در صنعت حمل‌ونقل ایران

● وزیر راه و شهرسازی با هدف رایزنی با مسئولان آلمانی در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل ریلی و دریایی به این کشور سفر کرد.

به گزارش وزارت راه و شهرسازی، عباس آخوندی در این سفر که تا امروز ادامه دارد، قرار است دیدارهایی را با وزیران دارایی، اقتصاد و امور خارجه این کشور داشته باشد.

## تشکیل کمیته مشترک وزارت نفت و قوه‌قضائیه با موضوع «قرارداد توتال»

● **تسنیم:** محمد خالدی، عضو ناظر مجلس در شورای عالی انرژی گفت: کمیته‌ای متشکل از قوه قضائیه و وزارت نفت در حال بررسی حقوقی قرارداد توتال هستند.

## سوخو فروش سوپرجت ۱۰۰ به ایران را تکذیب کرد

● **تسنیم:** شرکت هواپیماسازی مسافربری سوخوی روسیه گزارش‌ها درباره امضای موافقت‌نامه تحویل هواپیماهای سوخوی سوپرجت ۱۰۰ به ایران را تکذیب کرد.

## ۵ استان در آستانه خاموشی

● معاون هماهنگی توزیع شرکت توانیر اعلام کرد با توجه به اینکه طبق اعلام سازمان هواشناسی از هفته آینده یک موج گرمای هماهنگ وارد کشور می‌شود، در استان‌های تهران، خوزستان، مازندران، کرمانشاه و ایلام در صورت رعایت نکردن مدیریت مصرف، شاهد خاموشی خواهیم بود.

## قول بانک مرکزی برای راه‌اندازی پرداخت از طریق تلفن همراه

● **ایرنا:** وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در صفحه اینستاگرام خود به دیدار با رئیس کل بانک مرکزی اشاره کرد و نوشت: دوستان بانک مرکزی قول داده‌اند هر چه زودتر نسبت به کامل‌کردن پرداخت از طریق تلفن همراه اقدام کنند.

گامی دیگر در جهت اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ از سوی دولت تدبیر و امید
عرضه سهام شرکت کشت و صنعت و دامپروری مغان به عنوان بزرگترین خصوصی سازی بخش کشاورزی ایران
آخرین فرصت برای شرکت در مزایده ۸ مرداد ۹۶
علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر به نشانی اینترنتی www.ipo.ir مراجعه نمایند.
سازمان خصوصی سازی
سازمان خصوصی سازی